

The Impact of Intervention Agents' Behavior on Committing Offenses against Individuals

Abstract:

The specific complexity of criminal cases for convicting a criminal and who ultimately must be held accountable for their behavior is assumed to have been influenced by several individuals as a result of the crime. Attention legislator on the effect of behavior in one hand and numerous theories of jurists on the role of effect of behavior on approving the responsibility on the other hand, have developed the notion that responsibility is in effect, while contrary to the belief in Islamic Penal Code ۱۳۹۲, the basis of a conviction for effective behavior in responsibility is conduct with fault. This research is a library and documentary method in which process to achieve the purposes and information required by reference to the entry books as well as criminal cases related to the matter the responsibility of causality and by extracting the procedure governing the judicial process has been taken. Investigations to understand the impact of behavior on imposing criminal responsibility on causality have shown that in the criminal regulations a change in the concept causality relationship has been made by the legislator and that its scope includes the material and psychological elements of the crime. Contrary to the notion that responsibility is a mere function of impact, this notion has been moderated. Since the effect of the behavior of the factors involved in the crime is necessary to understand the cause of the behavior, the present study will show that mere behavioral influence is not sufficient to impose criminal responsibility.

Key words: Causality; Steward; Condition; offense; Impact of behavior

جایگاه تاثیر رفتار عوامل مداخله‌گر در ارتکاب جرایم علیه اشخاص

امیر نوعی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

جواد واحدی‌زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

علی افراسیابی^۳

چکیده

پیچیدگی خاص در پرونده‌های کیفری برای احراز بزهکاری مجرم و کسی که در نهایت بایستی پاسخگو در قبال رفتار خویش باشد در فرضی که چندین شخص موثر در نتیجه مجرمانه بوده‌اند، حاکم می‌باشد. اشاره قانون‌گذار به موضوع تاثیر رفتار از یک سو و دلالت نظریات متعدد حقوقدانان بر نقش تاثیر رفتار در ثبوت ضمان از سوی دیگر این ذهنیت را ایجاد کرده است که ضمان صرفاً دایر بر مدار تاثیر است، در حالی که بر خلاف این باور حسب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنای ضمان استناد جنایت به رفتار موثر توأم با تقصیر می‌باشد. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است که در آن برای رسیدن به اهداف و اطلاعات مورد نیاز با مراجعه به کتب مدخل و همچنین پرونده‌های کیفری مرتبط با بحث ضمان تسبیب و با استخراج رویه حاکم بر فرایند قضائی مسئله به پردازش داده‌های حاصله اقدام شده است. بررسی‌های به عمل آمده در راستای شناخت جایگاه تاثیر رفتار برای تحمیل مسئولیت کیفری از باب تسبیب نشان داد که در مقررات جزایی حاکم با تغییری که در مفهوم رابطه سببیت از سوی مقنن ایجاد شده است و دامنه آن از این حیث که در بردارنده عناصر مادی و روانی جرم می‌باشد گسترانیده شده است، برخلاف تصور موجود که ضمان تابع محض تاثیر می‌باشد این تلقی تعدیل شده است. با توجه به اینکه تاثیر رفتار عوامل دخیل در جنایت برای ضامن دانستن عامل آن رفتار لازم و ضروری می‌باشد اما پژوهش حاضر نشان خواهد داد صرف تاثیر رفتار برای تحمیل مسئولیت کیفری کافی نمی‌باشد.

کلید واژه‌ها: سبب؛ مباشر؛ شرط؛ تقصیر؛ تاثیر رفتار

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی آقای امیر نوعی در واحد اردبیل می‌باشد

گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران^۱

گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)^۲

گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران^۳

در تحمیل مسئولیت کیفری ناشی از مداخله عوامل متعدد در جنایت بر پایه تسبیب توجه به میزان تاثیر رفتار مرتکب (اعم از مباشر و سبب) که هر یک به نوعی در وقوع جنایت دخیل بوده اند با توجه به قانون مجازات اسلامی از ضروریات بوده که حتی گفته شده است چنین رویکردی حامل پیام عدالت می باشد و اقتناع کننده منطبق حقوقی است (۱).

صرف اراده قانونگذار در بیان مبنائی برای معرفی عامل مسئول قابل تحسین بوده و راه را برای دادرس در رسیدن به نتیجه که قطع کننده نزاع و کشف حقیقت قضایی خواهد بود همواره می سازد، هر چند در این میان ابهامات و اشکالاتی در جهت نحوه تحصیل اثر هر رفتار و میزان آن موجود می باشد. تعیین عامل مسئول در ضمان تسبیب و بار نمودن تکلیف جبران جنایت از طریق قصاص و پرداخت دیه و در برخی موارد اعمال توام مجازات تعزیری که امروزه با گسترش دامنه مسئولیت ها و توسعه مفهوم آن حجم فزاینده ای از پرونده های کیفری را به خود اختصاص داده است یکی از مهمترین مباحث حقوق کیفری است.

تشتت و چندگانگی نظریات و عقاید در حوزه شناسایی عامل مسئول در کنار تعدد قواعد تعیین آن و فروعات مطرح شده در متن قانون و عدم سهولت در استنباط و تحصیل نظر مقنن در بیان احکام مربوط به ضمان تسبیب و فرصت نظریه پردازی بی حد و حصر و به تعبیری اجتهاد در برابر نص از سوی برخی از نویسندگان باعث شده است عدالت دستخوش اعمال سلیقه ها و نظریات گردد. بر این اساس نیاز به ترتیب بندی قواعد کلی و مشخص نمودن احکام فروعات قضایای تسبیب بیشتر احساس می گردد تا روشی واحد در رویه قضایی پایه ریزی شده و با اتباع از آن بر قوت و اتقان رویه متخذه افزوده شود و این امر میسر نخواهد شد مگر با توجه به نص قانون و استخراج نظر مقنن در جزئی ترین مورد تا کلیت قواعد ارائه شده تا به شکل قاعده مند احکام ساماندهی شده و موضوعات مطروحه با احکام انطباق یابند. این شیوه که مبنای کاربردی و عملی پرونده های مربوط به ضمان تسبیب است پشتوانه قوی و قابل دفاع در دکتترین حقوقی داشته که مبتنی بر رویه قضایی است و غیر از این سایر نظریات که همسویی با نص قانونی نداشته هر چند از حیث محتوا و دامنه وسیع باشند اثری در سرنوشت قضایی پرونده نخواهند داشت چرا که آنچه در استناد دادرس در صدور آراء مداخلت دارد توجه صرف وی به قانون است و هیچکدام از دیدگاه های مغایر با آن تاب مقابله با قانون را ندارند (۲).

در جریان قانونگذاری اخیر در حوزه حقوق جزا و تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و توجه به مفهوم استناد در لابه لای مواد قانونی مرتبط با ضمان تسبیب و اصل انگاری آن در ثبوت مسئولیت کیفری مباشر و سبب مبنای مسئولیت در این زمینه روشن شده است. هر چند صراحت بیان قانونگذار در اعلام ضرورت احراز رابطه استناد، یکی از اساسی ترین ارکان تحقق اینگونه مسئولیت ها را مشخص کرده است لیکن گره کار تنها با اعلام آن حل شدنی نبوده و مهم نحوه و چگونگی احراز آن است که برای این امر باید گمانه زنی ها و مقدمه چینی های متعددی را انجام داد تا سر آخر راز استناد کشف گردد و گره گشوده شود.

عدم ذکر مقررات مربوطه بصورت صریح و گویا و ذکر فروعات و مصادیق در قانون، کار هر اندیشمندی را که در صدد دستیابی به رابطه استناد می باشد با صعوبت مواجه کرده است. خوشبختانه سرنخی که از مواد قانونی در جهت احراز استناد در دست می باشد عنایت قانونگذار به مفهوم نوعی تقصیر در این زمینه و در برخی موارد فرض انگاری تقصیر یا معرفی اماره تقصیر می باشد که با تبیین و شناختن آن موضوع استناد مشخص می گردد و می توان گفت ثبوت ضمان در تسبیب فرع بر احراز رابطه استناد و خود رابطه استناد نیز فرع بر احراز تقصیر می باشد. اما تا اینجا تنها قسمتی از مسئله سببیت حل می گردد و دنباله کار اعمال قاعده دیگری است که در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ آمده است. در این ماده هم به موضوع تاثیر رفتار عوامل در جنایت و هم به موضوع میزان تاثیر رفتار در اجتماع سبب و مباشر در فرضی که جنایت به هر دو مستند می باشد اشاره شده است و احاله میزان مسئولیت هر یک از این عوامل به تاثیر رفتار ایشان از جانب قانونگذار و عدم دلالت مواد بعدی به چگونگی سنجش تاثیر رفتار و میزان آن که نتیجه آن موثر در میزان استناد و مسئولیت عامل خواهد بود صعوبت کار را دو چندان کرده است و این ابهام مطرح است که سر آخر ضمان تابع تاثیر خواهد بود (۳) یا اثر بخشی رفتارها صرفاً در نفس دخالت عوامل در جنایت مطرح است و ارتباطی به ثبوت ضمان ندارد.

این مقاله در صدد شناساندن تاثیر رفتار عوامل دخیل در جنایت و نقش آن در ثبوت ضمان می‌باشد. سوالاتی که در این راستا در جهت رسیدن به هدف به ذهن خطور می‌کند و پاسخ‌دهی به آن کار دادرس را در رسیدن به نتیجه و اعلام عامل مسئول هموار می‌سازد این است که: ۱- آیا تاثیر رفتار قدر مشترک عوامل دخیل در جنایت در باب مسئولیت ناشی از تسبیب است؟ ۲- با شرطیت تقصیر در اثبات مسئولیت کیفری عوامل دخیل در جنایت چه ارتباطی بین تقصیر با تاثیر رفتار وجود دارد؟

برای رسیدن به پاسخ دو فرضیه قابل طرح است: ۱- برای اینکه رفتاری در سلسله عوامل دخیل در نتیجه مجرمانه در آید ضرورت دارد آن رفتار در نتیجه حاصله به نوعی اثر گذار باشد. ۲- تقصیر معطوف به رفتار اثرگذار در نتیجه است و ثبوت ضمان فرع بر وجود رفتار موثر توأم با تقصیر می‌باشد بطوری که با انتقاء تاثیرگذاری رفتار ضمان منتفی است.

۲- ماهیت عوامل دخیل در جنایت

عوامل متعددی در اینکه نتیجه‌ای مجرمانه از برآیند رفتار آنها حاصل آید می‌توانند در باب ضمان تسبیب دخیل باشند. تمامی مباحث و نظریه‌پردازی‌های اولیه در حوزه ضمان مذکور معطوف به شناساندن و تعریف دقیق هر یک از این عوامل می‌باشد. مباشر، سبب و شرط هر یک به نوعی در حدوث نتیجه زیانبار سهیم و موثر هستند و به عنوان عوامل دخیل در نتیجه معرفی شده‌اند اما در ادامه خواهد آمد که هر گونه دخالتی در بروز نتیجه نمی‌تواند دلیل بر شایستگی تحمیل مسئولیت کیفری بر آن عامل مداخله‌گر باشد و در این میان شرایط دیگری برای ثبوت ضمان لازم است. برای بررسی و تبیین نقش هر یک از عوامل یاد شده در بروز نتیجه از یک طرف و اثبات ضمان ضرورت دارد با ماهیت شناسی هر یک از آنها راه رسیدن به حقیقت هموار گردد.

با توجه به التقاط مسائل و احکام مربوط به ضمان تسبیب در متون فقهی با نصوص قانونی باید پذیرفت رسیدن به تعریف جامع و مانع از هر یک از این عوامل به سهولت امکان پذیر نمی‌باشد. در یک نظر عوامل مذکور جملگی به علت در مفهوم فلسفی آن تعبیر می‌شوند و با تقسیم‌بندی آن به بی‌واسطه اولی را مباشر و دومی را سبب نامیده‌اند. هر چند آمده است در فقه تقسیم بندی از سبب و مباشر به شیوه‌ای که در حقوق جزای عرفی مطرح است مبنائی ندارد و معیار صدق عرفی متلف است و مباشرت و تسبیب خصوصیتی ندارند و فقها از میان سبب و مباشر آنکه را قوی‌تر است ضامن می‌دانند و اگر یکی قوی‌تر نبود هر دو ضامن هستند در حالی که در نصوص هیچ اثری از این تفصیلات نیست (۴). ولی با این همه در کتب فقهی متاخرین بنا به ضرورت و توسعه مفاهیم مذکور تعاریف متعددی از سبب و مباشر ارائه شده است.

۱-۲- مباشر

در یک تعریف ساده مباشر عاملی است که به صورت مستقیم و بدون واسطه عامل دیگری با بروز رفتاری در حدوث نتیجه دخالت می‌کند. در ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف مباشر آمده است: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود». در فقه از مباشرت به علت تعبیر می‌شود چرا که اقتضای تاثیر رفتار مستقیم مباشر حصول نتیجه است و این همان علت است. مباشرت با توجه به قصد و نیت مباشر ممکن است عمدی بوده یا غیر عمدی محسوب گردد و در فرضی که رفتار مباشر عامدانه و قاصدانه بوده و حاصل آن نتیجه مجرمانه است باید رابطه استناد بین رفتار مباشر عامد با نتیجه حاصله احراز شود تا مسئولیت کیفری مباشر کامل گردد. از رابطه استناد در این فرض تعبیر به رابطه علیت می‌شود (۵) و در جرایم مقید احراز آن ضروری است اما چنانچه مباشر در رفتار خود عمد و قصدی نداشته باشد با فرض استناد نتیجه به رفتار غیر عمدی شخص مسئولیت کیفری وی از باب ارتکاب بزه غیرعمدی مطرح خواهد بود و در اکثر جرایم تعزیری مبری از مسئولیت بوده لیکن در جرایم مستوجب قصاص و دیه در محدوده ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی مسئول خواهد بود.

۲-۲- سبب

سبب در بیان ساده عاملی است که به صورت غیر مستقیم در وقوع نتیجه مجرمانه دخالت داشته و شرایط تحمیل مسئولیت کیفری بر سبب براحتی مباشر نمی‌باشد و برای مسئول شناختن آن شرایط چندی بر قضیه حاکم است. ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف سبب آورده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی کند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند». در فقه در تعریف سبب اقوال مختلفی ارائه شده است که در یک جمع بندی بر سه ملاک استوار بوده و معیارهایی برای سبب محسوب شدن رفتاری بیان شده است که عبارتند از: ۱- آنچه عامل تحقق تلف است. ۲- ایجاد هر آنچه علت بدون آن هیچ اثری ندارد. ۳- ایجاد هر آنچه از آن توقع وقوع علت تصور شود (۶).

در سبب برای اینکه ضمان ثابت شود بایستی رابطه علی و معلولی بین رفتار سبب با نتیجه حاصله احراز شود که از آن به استناد تعبیر می‌شود. بر خلاف تصور غالبی که در باب تسبیب در جنایت مبنی بر وقوع غیر عمدی آن وجود دارد در موارد عدیده‌ای رفتار سبب با قصد و نیت مجرمانه و به صورت عامدانه صورت می‌پذیرد و نتیجه حاصله در زمره جرایم و جنایات عمدی خواهد بود و لذا سبب ملازمه‌ای با غیر عمدی بودن رفتار نداشته و تحقق قاصدانه آن درست بوده (تسبب) و اقتضای اعمال ضمانت اجرای جرائم عمدی را خواهد داشت.

۲-۳- شرط

عامل دیگری که ممکن است در وقوع نتیجه مجرمانه دخیل باشد و تا حدودی هم ماهیت آن شبیه سبب است شرط نام دارد. در تعریف شرط آمده است چیزی است که از وجودش وجود نتیجه و از عدمش عدم نتیجه لازم آید. شرط نیز مانند سبب بصورت غیرمستقیم در وقوع نتیجه موثر است و از این منظر شرط و سبب یکی محسوب می‌شود. اما از حیث بار مسئولیت کیفری به شرط هیچ مسئولیتی متوجه نیست چرا که به شرحی که بعداً گفته خواهد شد به جهت عدم تکمیل رابطه سببیت بین تاثیر رفتار شرط با نتیجه که ناشی از فقدان استناد روانی است شرط ضامن نمی‌باشد و اینگونه شاخصه تمیز شرط از سبب که فقدان رابطه استناد روانی در شرط است تبیین می‌گردد. شرط که تنها زمینه‌ساز حادثه است و تعریفی از آن در قانون مجازات اسلامی به عمل نیامده است و تنها از مفاد مواد قانونی مرتبط با ضمان تسبیب خصوصاً ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی وجود و ماهیت آن مستنبط است در زنجیره رابطه سببیت تام جایگاهی نداشته و ضمان متوجه آن نیست.

با توجه به مطالب فوق در ضمان تسبیب هر گاه عامل دخیل محدود به یک عامل بوده مشکلی در باب استناد رفتار به نتیجه حاصله ایجاد نمی‌شود و تنها بحث عنصر روانی قضیه یعنی احراز عمد یا تقصیر عامل کافی برای ضامن دانستن آن و اعمال ضمانت اجرای کیفری خواهد بود. اما در مسائل مطروحه و حوادث واقع شده اکثراً شاهد دخالت چندین عامل به هم پیوسته دخیل و موثر در نتیجه هستیم که استناد نتیجه به تک تک آن عوامل یا نفی استناد به آنها یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین مسائل حقوقی محسوب می‌شود و وجدان بیدار دادرس را درگیر خود می‌کند و اینجاست که تعاریف هر یکی از عوامل دخیل و ماهیت آنها و مفهوم استناد و تقصیر و عمد و تاثیر رفتار در اعلام عامل ضامن کار ساز می‌شوند.

۴-۲- تقصیر

یکی از شرایط لازم و ضروری در اثبات مسئولیت کیفری سبب تقصیر است. در قریب به اتفاق مقررات مربوط به موجبات ضمان به نقش موثر تقصیر توجه شده است. عنصر قانونی که به صراحت دلالت به ضرورت وجود تقصیر در باب ضمان تسبیب دارد مربوط به ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی است که حسب آن تحقق کلیه جرایم غیرعمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب شده است لذا نقطه اتکاء مسئولیت کیفری در باب تسبیب منوط به تقصیر عامل دخیل در جنایت است. با توجه به اینکه مفهوم تقصیر با نوع زیان ارزیابی می‌شود نه نوع رفتار (۷) چنانچه در حادثه‌ای که منجر به وقوع نتیجه شده باشد عنصر تقصیر مفقود باشد با احتمال اینکه حادثه معلول دخالت عوامل

قهری یا اقدام مجنی علیه یا ناشی از عمد فردی باشد بحث ضمان تسبیب منتفی خواهد شد و مسیر مسئولیت کیفری متفاوت خواهد بود. در برخی موارد دامنه و اثر رفتار دخیل در جنایب به طوری روشن و واضح است که تردیدی در حدوث رفتار ناشی از تقصیر باقی نمی ماند و رفتار حاصل تقصیر معرفی می شود، در چنین مواردی با یک فرض انگاری قانونی روبرو هستیم و آن مفروض بودن تقصیر در رفتار می باشد. در این حال نیازی به اثبات تقصیر عامل رفتار از سوی مجنی علیه نیست و فقدان تقصیر را باید خود مرتکب رفتار ثابت کند. در مقابل در غالب موارد رفتار واقع شده توأم با تقصیر مفروض نبوده و لازم است در هر مورد تقصیر عامل که رفتار منجر به حادثه از آن نشأت گرفته است باید اثبات شود. قاعده کلی در قانون مجازات اسلامی ضرورت اثبات تقصیر در هر حادثه ای است که باید مجنی علیه یا مدعی العموم آن را ثابت کند و تنها در موارد تسبیب محض که قانونگذار مصداق آن را در چندین ماده ذکر کرده است به اماره تقصیر اشاره شده است. وجه مشترک ضمان در هر دو مورد منوط بودن آن به احراز تقصیر است اما با این تفاوت که در مواردی که تقصیر مفروض است نیازی به اثبات آن نیست و در مقابل در فرضی که اماره تقصیر موجود نمی باشد باید تقصیر عامل ثابت شود تا منشاء اثر شود (۸).

همچنانکه در سابق ذکر شد فقها در آثار علمی و کتب فقهی خودشان اشاره ای به مباشر و سبب نکرده اند و در آنان تنها عنصر استناد ملاک می باشد و از این رو از منظر برخی تقصیر نه تنها در مباشرت ضرورتی برای احراز ندارد بلکه در سبب هم نیازی به احراز آن نیست و علت آن هم به شرحی که گفته شد بر می گردد به این امر که آنها تفکیکی بین مباشر و مسبب قائل نشده اند تا تقصیر را در یکی شرط و در دیگری شرط ندانند (۹) اما آنچه در نظام حقوقی ایران در وضعیّت فعلی قابل پذیرش است شرطیت تقصیر در مسئولیت سبب و عدم اشتراط آن در مسئولیت مباشر است. البته کلیت این مطلب واجد ایراد است و اینگونه باید اصلاح شود که در مباشرت هم بعضاً بایستی دنبال تقصیر بود و در آن فرض هم احراز تقصیر شرط می باشد و آن بحث اجتماع سبب و مباشر است که چنانچه مباشر غیر عامد باشد در راستای ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی باید دنبال تقصیر مباشر بود.

بحث مهمی که در رابطه با تقصیر در ضمان تسبیب مطرح می باشد تبیین جایگاه تقصیر در این ضمان و به تعبیری ماهیت آن است تا با احراز آن در قضیه وضعیت و نقش تاثیر رفتار هم تعیین شود. عده ای در این رابطه نظر داده اند که تقصیر به عنوان عنصری ضروری در باب ضمان شرط ضمان است و ضمان صرفاً فرع بر تقصیر است و در این حال در کنار بررسی رابطه سببیت که پیوند دهنده رفتار با نتیجه است و احراز آن ضرورت دارد تقصیر هم باید احراز شود و هر یک برای خود جایگاهی مستقل داشته و با وجود یکی و فقدان دیگری مسئولیت کیفری ثابت نخواهد بود. در مقابل برخی معتقد هستند که تقصیر نه به عنوان جزء مستقل بلکه جزء وابسته به رابطه سببیت و اماره انتساب محسوب می گردد و در بطن رابطه استناد به آن توجه می شود و استناد در برگزیده تقصیر است و احراز استناد مساوی با اثبات تقصیر عامل خواهد بود (۱۰).

۳- عوامل دخیل در جنایت از منظر قانون مجازات اسلامی

در اینکه کدام یک از این تحلیل های فوق الذکر قرین به نظر مقنن می باشد باید در مواد قانونی مرتبط دقت نمود و با مذاقه در آن و ارزیابی آثاری که از هر دو دیدگاه حاصل می شود به پاسخ رسید. قانونگذار در ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی با این تعبیر که جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود ضمان را دایر بر مدار استناد نتیجه به رفتار قرار داده است و ملاک ضمان را استناد عنوان کرده است. با این توصیف با استظهار از ماده آنچه در نظر اول در ثبوت مسئولیت کیفری مستنبط می شود این است که صرف استناد نتیجه به رفتار مرتکب کافی برای ضمان خواهد بود و تقصیر هم به عنوان جزئی وابسته و معطوف به رفتار در مرحله احراز استناد مدنظر می باشد و وجود آن قرینه و انگاره ای بر وجود استناد می باشد، اما اکتفا به این ماده در نتیجه گیری خطا بوده و منطبق با مراد مقنن نمی باشد چرا که قانونگذار در چند ماده بعد و به شرح ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی در تکمیل مقررات مربوطه آورده است که «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید» و با این وصف معلوم می شود رویکرد

تقنینی نظام کیفری حاکم در قضیه معطوف به دو نوع استناد در رسیدن به رابطه سببیت است، یکی استناد بین نتیجه و رفتار ارتكابی (موضوع ماده ۴۹۲) و دیگری استناد بین نتیجه و تقصیر که موضوع جدا از ماده مذکور می‌باشد و روی هم تشکیل دهنده رابطه سببیت تام در مفهوم قضایی آن می‌باشند (۱۱) و هر جا یکی از این استنادها مفقود بود رابطه سببیت تام هم علیل خواهد بود و ضمان منتفی می‌شود (۱۲). لذا به نظر می‌رسد با جمع دو ماده مذکور می‌توان گفت ماهیت تقصیر چیزی مجزا از صرف رابطه استناد بین نتیجه و رفتار عامل یا عوامل موثر در جنایت است و از طرفی در کنار استناد اولیه دلالت بر وجود رابطه سببیت در مفهومی که فوقاً بیان شد می‌باشد و در این مفهوم رابطه سببیت عبارت خواهد بود از «استناد جنایت به رفتار یا رفتارهای موثر توأم با تقصیر» که برآیند و حاصل اجتماع دو ماده ۴۹۲ و ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی بوده و به عنوان مقتضای ثبوت مسئولیت کیفری مطرح می‌باشد (۵).

بدین ترتیب مشخص گردید تقصیر در باب ضمان تسبیب نسبت به استناد اولیه موضوع ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی (استناد مادی) هم یک ماهیت مستقل دارد و هم با قائل بودن به وجود یک رابطه سببیت یا استناد تام که در بردارنده هر دو استناد پیش گفته است تقصیر جزئی وابسته به این استناد تام بوده و از این منظر ماهیتی مستقل نمی‌توان برای آن تصور کرد. لذا تقصیر به عنوان جزئی از اجزاء رابطه سببیت تام چنانچه در حدود جنایت مفقود باشد مانند دخالت عمدی عامل، به جهت فقدان استناد نتیجه به تقصیر ضمان تسبیب هم منتفی خواهد بود و مسئولیت کیفری مرتکب ممکن است از منظر دیگر مثلاً جنایت عمدی مطرح شود (۴). بدین جهت است که گفته شده است اثبات رابطه سببیت (الزاماً در مفهوم ماده ۴۹۲) مقدمه لازم بر پرداختن به رکن معنوی است (۲) تا بعد از احراز آن نوبت به بررسی عمد یا تقصیر عامل برسد.

با مشخص شدن تمایز و اختلاف رابطه استناد بین نتیجه با رفتار موثر با رابطه استناد بین نتیجه با تقصیر ضرورت دارد بدو رابطه استناد اولی احراز گردد سپس در جهت بررسی نوع جنایت از حیث عمدی یا غیر عمدی بودن، رابطه استناد بین جنایت با تقصیر مورد بررسی و اثبات قرار گیرد. در این خصوص گفته شده است «رابطه سببیت (در مفهوم استناد مادی) یگانه عنصر مسئولیت کیفری نیست بلکه در کنار آن عناصر دیگری نیز است که هر یک برای تحقق مسئولیت لازم هستند و چه بسا وجود رابطه سببیت میان فعل و نتیجه ثابت شود اما متهم مسئول نتیجه نباشد زیرا قصد آن را نداشته و خطایی نیز مرتکب نشده باشد» (۱۳).

این مطلب دقیقاً به مسئله شرط در باب مسئولیت کیفری اسباب معطوف است که علی‌رغم اینکه در زنجیره رابطه استناد شرط در کنار عوامل دیگر حضور دارد و عامل موثر هم محسوب می‌شود اما به جهت اینکه رفتار منبث از آن توأم با تقصیر نمی‌باشد نمی‌توان بر آن مسئولیت تحمیل کرد.

۳-۱- میزان تاثیر رفتار در فروض دخالت عوامل

به طور کلی می‌توان گفت تاثیر رفتار در تمامی عوامل مطرح در باب ضمان تسبیب وجود داشته و بررسی‌های فقهی و پژوهشی در حوزه ضمان مذکور باید با محوریت تاثیر رفتار باشد. تاثیر رفتار یعنی اینکه رفتاری که ابراز کننده‌ی آن رفتار به عنوان یکی از عوامل دخیل در جنایت مطرح می‌باشد باید در بروز و حدوث نتیجه زیان بار اثرگذار باشد و نتیجه ناشی و موثر از آن رفتار باشد. طوری که با حذف آن رفتار نتیجه نیز حاصل نشود. هر چند قانونگذار در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی از تاثیر رفتار سخن رانده و با توجه به متن ماده تکلیف به بررسی تاثیر رفتار در فرض اجتماع سبب و مباشر ایجاد شده است اما می‌توان با یک نتیجه‌گیری از این نکته که اثربخشی رفتار عوامل دخیل در جنایت در مسیر مادی عوامل برای مسئول دانستن آن عامل لازم می‌باشد، تاثیر رفتار را در تمامی فروض دخالت عوامل از اجتماع اسباب طولی و عرضی گرفته تا اجتماع سبب و مباشر مطرح ساخت و اثر رفتار را به شکل قاعده مند توصیف کرد و احراز رابطه استناد (موضوع ماده ۴۹۲) را منوط به تاثیرگذاری رفتار کرد و استناد را ناشی از تاثیر رفتار دانست. تاثیر رفتاری که قانونگذار میزان آنرا در بحث اجتماع اسباب چه طولی و چه عرضی خود مشخص کرده و تنها سنجش میزان آن را در بحث اجتماع سبب و مباشر به قریحه قضایی واگذار کرده است؛ بدین شکل که وقتی اجتماع عوامل مطرح می‌گردد در تبیین حکم گفتنی است از میان این عوامل باید به اثر رفتار توجه گردد، اگر اثر مستقیم از رفتار حاصل شود بحث مباشرت مطرح است و اگر این اثر بصورت غیر مستقیم از رفتار حاصل شد

موضوع سبب مطرح می‌شود، حال اگر اسباب موثر بصورت عرضی صرف بودند قانونگذار فرض تساوی تأثیر را پذیرفته و به تبع آن کشف می‌شود رابطه سببیت تام بین رفتار و نتیجه به میزان مساوی برقرار بوده است و ضمان تساوی مطرح است اما اگر تأثیر رفتار بصورت طولی بود در این حال ضمان متوجه رفتاری است که مقدماً و ابتدائاً تأثیر گذاشته است و مابقی عوامل (اسباب) شرط محسوب خواهند شد چون ضمان متوجه آنها نیست. البته در بحث سبب غیر مجاز و عامد که ضمان در هر حال متوجه آنهاست قانونگذار فرض موثر بودن تأثیر رفتار اسباب غیر مجاز و عامد را بر تأثیر رفتار اسباب مجاز و غیر عامد برتری بخشیده و آنها را ضامن شمرده است، در این میان اشکال کار مربوط به چگونگی احراز تأثیر رفتار هر یک از سبب و مباشر است که قانونگذار بر خلاف اجتماع اسباب که حکم آنها را خود بصورت قاعده‌مند و ثابت بیان ساخته است در این خصوص بررسی و اعلام تأثیر را منوط به اوضاع و احوال حاکم بر امر مربوط کرده است و به نظر صعوبت بحث اسباب در نظام کیفری ایران تنها در این فرض مطرح بوده و گره‌گشایی از این مشکل ظاهراً قاعده‌پذیر نمی‌باشد (۳). هر چند به نظر می‌رسد بتوان با تبیین و تشریح عنصر تقصیر و شرایط آن قاعده‌ای قابل پذیرش ارائه داد لیکن با تدقیق در انواع و اقسام موضوعات تسبیب در پرونده‌های قضایی عملی نبودن قاعده‌مند سازی این حوزه از بحث ضمان بیشتر جلوه‌گر می‌شود و چاره‌ای نیست که رویه قضایی در این میان خود روش عدالت محور اختیار کند. البته در قانون سابق که در اجتماع اسباب و مباشر ضمان عهده مباشر بود این مشکل وجود نداشت اما چون بحث تقدم ضمان مباشر در قانون فعلی حذف شده است چاره‌ای جز اتکاء به رویه قضایی برای حل مسئله نیست. رویه قضایی رویکرد و نگرش خاص به استفاده از نظر کارشناس در تعیین مقصر و به عنوان عامل مسئول دارد (۵). حتی در زمان حاکمیت قانون سابق نیز درجه‌بندی تقصیر و توجه به میزان تقصیر طرفداران زیادی داشتند. کارشناسان فن در این عرصه بیشتر افسران کارشناس تصادف و افراد صاحب نظر در حوزه روابط کار و کارگری و حوادث کار هستند که در مورد اخیر علاوه بر حوادث کار در سایر حوادث هم که ارتباطی با بحث کارگری ندارند به عنوان کارشناس انتخاب می‌شوند و غالباً با تکیه بر آئین‌نامه‌ها و مقررات صنفی و نظام‌نامه‌ها و با یک سری صغری و کبری‌گویی‌ها نسبت به تبیین حادثه و اعلام مقصر یا مقصرین به همراه درصد تقصیر آنها اقدام می‌کنند. این شیوه در رویه قضایی کاملاً جا افتاده و ایراد و اشکال اساسی چه از جانب طرفین و چه از ناحیه مقامات قضایی گرفته نمی‌شود و سرنوشت قضایی پرونده دایر بر مدار نظریات آنها می‌چرخد و تنها در صورت اعتراض قابل قبول از سوی طرفین نظریه هیات کارشناسی اخذ می‌شود و معمولاً هم تعدیل در تعیین مقصر و در صد آن صورت می‌پذیرد و اقناع قضایی حاصل می‌آید.

۲-۳- احراز تقصیر و تعیین ضامن

از آنجایی که پایه و اساس غالب نظریات ابرازی از سوی کارشناسان تجزیه و تحلیل حادثه با تکیه بر همان مقررات و آئین‌نامه‌های پیش گفته می‌باشد نتیجه‌گیری آنها در اعلام تقصیر عامل و میزان تقصیر ایشان در حدوث نتیجه چون مشتق از ذهن و اندیشه فردی است و مبتنی بر نحوه تحلیل هر شخص می‌باشد بعضاً هم در وجود یا عدم وجود نفس تقصیر و هم در میزان تقصیر در مواردی که تقصیر احراز می‌گردد دارای تفاوت و اختلاف است مثلاً در موردی تأثیر رفتار فردی در حادثه‌ای از منظر یک کارشناس ۳۰ درصد و در مقابل طبق نظر کارشناس دیگری ۵۰ درصد است. این تغییر در اعلام میزان تأثیر و درصد تقصیر که یک امر ذهنی است هیچ قاعده‌ای در یکسان‌سازی ندارد چرا که توان همسو کردن پردازش‌های ذهن افراد اگر امری محال نباشد کار بسیار سختی می‌باشد، لذا می‌توان گفت اعلام درصد تقصیر از سوی کارشناس یک امر نسبی است که با توجه به تغییر کارشناس احتمال تغییر وجود دارد و امری مطلق محسوب نمی‌شود تا در باور تحلیلی کارشناسان به یک میزان ظهور نماید (۱۴).

نکته‌ای که توجه به آن در این میان واجد اهمیت می‌باشد این است که نباید کارشناس را در پرونده‌های مرتبط به عنوان احرازکننده تقصیر و تعیین‌کننده ضامن تلقی نمود چرا که احراز تقصیر و به تبع آن احراز استناد یک امر قضایی است و در صلاحیت مقام قضایی قرار دارد. نظر کارشناس صرفاً در حد یک اماره بوده و چنانچه با سایر قرائن و امارات و اوضاع و احوال موجود همسو باشد به عنوان اماره قضایی مورد پذیرش قرار می‌گیرد و سازنده علم قاضی است و نباید به نظریات مذکور ارزش اثباتی مطلق داد. این مفهوم به خوبی از مواد

۱۴۵ و ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی عاید می‌گردد که به موجب این مواد در جرایم غیر عمدی برای احراز استناد روانی باید بدو تقصیر احراز گردد و احراز امر قضائی است. فلذا اعلام تقصیر و درصد آن از سوی کارشناس باید به تاثیر رفتار و میزان تاثیر رفتار در حدوث نتیجه معطوف باشد که در ارزیابی قضایی در قالب تقصیر توصیف می‌شوند. بدین ترتیب رابطه بین تاثیر رفتار با تقصیر از یک سو و رابطه بین میزان تاثیر رفتار با میزان درصد تقصیر نمایان می‌شود و هر جا که ضرورت داشت به نقش رفتار عاملی در حدوث نتیجه و جنایت توجه شود (بحث اجتماع سبب و مباشر) باید از روی داده‌های پرونده و کم و کیف وقایع و اتفاقات و نحوه عملکرد عوامل، رفتار آنها توصیف شود و از کارشناس خواسته شود دقیقاً رفتار هر عامل را باز گو نماید و سپس از روی نتیجه بیان کند که آیا رفتار تاثیری در حدوث نتیجه داشته است یا خیر و در صورت تاثیر به چه میزان موثر بوده است، آنگاه با بدست آوردن نوع رفتار عامل و میزان تاثیر آن در مقام دادرس تقصیر عامل ارزیابی گردد و میزان درصد تقصیر با لحاظ میزان تاثیر رفتار عامل ابراز شود (۱۰).

برای اینکه رفتاری در سلسله عوامل دخیل در نتیجه مجرمانه درآید ضرورت دارد آن رفتار در نتیجه حاصله به نوعی اثرگذار باشد. با توجه به اینکه صلاحیت و شایستگی بررسی نقش عاملی که به عنوان یکی از تاثیرگذاران در نتیجه مجرمانه مطرح است در باب مسئولیت ناشی از تسبیب ایجاد شود بایستی آن عامل به نحوی از انحاء در نتیجه موثر باشد و در زنجیره استناد مادی موضوع ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی درآید. هر عامل که عاری از چنین تاثیری در نتیجه باشد قطعاً استناد مادی بین رفتار آن عامل و نتیجه برقرار نخواهد شد. توجه به این مهم در این خصوص لازم است که تا اینجا یعنی احراز استناد مادی که پله اول احراز رابطه سببیت تام محسوب می‌شود بحث مسئولیت کیفری فعلاً مطرح نمی‌باشد و مهم احراز تاثیر رفتار در نتیجه است که در تعبیری می‌شود از آن به عنصر مادی یاد کرد.

در جهت احراز مسئولیت کیفری هر یک از عوامل دخیل در نتیجه بعد از تبیین مسئله استناد مادی و احراز استناد نتیجه به رفتار موثر، گام بعدی که تکمیل کننده زنجیره استناد و ثابت کننده مسئولیت کیفری شخص است احراز استناد نتیجه مجرمانه که ناشی از رفتار موثر عامل می‌باشد به تقصیر آن عامل است و بدین ترتیب مشخص می‌شود هر چند تاثیر رفتار عوامل دخیل در جنایت برای ثبوت مسئولیت لازم می‌باشد لیکن شرط لازم و کافی توأم بودن رفتار موثر با تقصیر است.

۴- یافته‌ها و بحث

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در رابطه با ضمان تسبیب چندین قاعده مهم دارد که در لابلای مواد قانونی خصوصاً از ماده ۴۹۲ به بعد دیده می‌شود. ابتدا قانونگذار بیان داشته است که هر جرم غیر عمدی لازمه تحققش این است که بایستی توأم با تقصیر باشد (ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی). در مورد ضمان تسبیب در حقوق جزا ما با ۳ مورد اجتماع اسباب (عرضی و طولی)، اجتماع سبب و مباشر و لحاظ اماره تقصیر مواجه هستیم.

در رابطه با موارد فوق‌الذکر قانونگذار در شناسایی عامل مسئول که بر او مسئولیت کیفری تحمیل می‌شود ۳ قاعده دارد. نخست در فرض اجتماع اسباب، اگر بین اسباب تقدم و تأخر زمانی وجود داشته باشد اجتماع اسباب طولی خواهد بود و وفق ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی سبب مقدم در تأثیر ضامن است و اگر چنانچه بین اسباب تقدم و تأخر زمانی در حدوث نتیجه موجود نباشد اجتماع اسباب عرضی مطرح می‌شود و در این حال وفق ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی ضمان مساوی خواهد بود.

ثانیاً در باب اجتماع سبب و مباشر اینکه ضمان متوجه کدام یک از این دو عامل است باید به ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی

توجه کنیم وفق این ماده عاملی که جنایت مستند به او باشد ضامن خواهد بود و اگر جنایت به هر دو مستند باشد هر دو به صورت مساوی ضامن خواهند بود. البته اگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد هر یک به میزان تأثیر رفتار خود مسئول می‌باشند. سؤال و ابهام مهم این است که تفاوت تأثیر رفتار بر چه معیاری قابل اثبات است؟ در عمل دادرسان پرونده‌های کیفری موضوع را به کارشناسی ارجاع می‌دهند و کارشناس نیز با درص بندی تقصیر اعلام نظر می‌کند که به نظر من این درصد بندی تقصیر از هیچ مبنای علمی و قانونی برخوردار نبوده و صرفاً ساخته و پرداخته ذهن کارشناس است که در خیلی از موارد درصدهای اعلامی از سوی یک کارشناس توسط کارشناس دیگری تغییر می‌یابد.

به نظر می‌رسد ورود قانونگذار به بحث تأثیر رفتار و عدم روشن کردن معیار برای آن کار لغوی بوده و عدالت کیفری را دستخوش سلیقه نموده است. در تعیین مسئول بر اساس این ماده باید برای برون رفت از بی‌عدالتی اصل را بر تساوی تأثیر رفتار سبب و مباشر قرار دهیم و تفاوت تأثیر رفتار را چون قاعده‌ای برای آن وجود ندارد نفی نسازیم.

ثالثاً قانونگذار در برخی موارد مثلاً مواد ۵۰۷ و ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی رأساً ضامن را معرفی کرده است و هر گاه رفتاری منطبق با روح این مواد منطبق گردید باید با لحاظ مفروض بودن تقصیر عامل مورد نظر وی را مسئول و ضامن معرفی کنیم و هیچ وقت خطایی را که اکثراً در پرونده‌های ضمان تسبیب در این قبیل مرتکب می‌شوند مرتکب نشویم؛ بدین توضیح که در مواردی که اماره تقصیر مطرح است وارد کردن قواعد اجتماع سبب و مباشر به شرحی که در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی آمده است در قضیه صدق نمی‌نماید و جایی برای درصدمندی تقصیر وجود ندارد بلکه مسئولیت محض عامل باید لحاظ شود. عصاره این دو ماده که تسبیب یا مسئولیت محض را معرفی می‌کند این است که هرگاه کسی در ملک خود یا در گذرگاه عمومی رفتاری را انجام دهد که سبب جنایت یا خسارت شود زمانی مسئول می‌باشد که مجنی‌علیه یا خسارت دیده جاهل به آن رفتار باشد و الا در صورتی که مجنی‌علیه یا خسارت دیده عالم به زیان رسانی رفتار باشد ضمان براساس ماده ۵۳۷ قانون مجازات متفی خواهد بود. در صورت جهل مجنی‌علیه تقصیر مسبب مفروض می‌باشد و نیازی به اثبات آن نیست.

در مقاله حاضر باید گفت وقتی عاملی سبب معرفی می‌شود که تقصیر وی احراز شود و مداخله در جنایت توأم با تقصیر خواهد بود، لذا چنانچه کسی در جنایتی دخیل باشد ولی تقصیری نداشته باشد سبب نمی‌باشد بلکه شرط خواهد بود. از این رو در مقاله سعی بر این شده است که بیان شود تأثیر رفتار عامل شرط لازم برای مسئولیت است اما کافی نیست و زمانی کافی خواهد بود که توأم با تقصیر باشد که در این حال سبب نامیده می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

بررسی مقررات موضوعه در باب ضمان تسبیب نشان از آن دارد که برای احراز مسئولیت عامل یا عوامل دخیل در نتیجه مجرمانه (جنایت) باید ارکان مسئولیت مذکور به درستی تبیین و مورد چینش قرار گیرند تا با جمع‌بندی آن سر آخر حقیقت قضایی منکشف گردد. نقش تأثیر رفتار هر یک از عوامل در بروز نتیجه در مرحله استناد مادی حائز اهمیت است. لذا چنانچه وجود یا عدم وجود عاملی تأثیری نداشته باشد رفتار آن عامل فاقد وصف تأثیرگذاری بوده و در سلسله عوامل دخیل قرار نخواهد گرفت و در مقابل چنانچه وجود مادی رفتاری در نتیجه حاصله واجد اثر باشد به لحاظ وجود استناد مادی آن رفتار شایستگی آن را خواهد داشت که در زمره عوامل دخیل در نتیجه توصیف گردد.

همانگونه که در مباحث پیشین به آن اشاره شد بر خلاف تلقی عده‌ای که صرف تأثیر رفتار را کافی برای اثبات و احراز مسئولیت کیفری می‌دانند علی‌رغم ضرورت احراز مؤثر بودن رفتار در مرحله احراز استناد مادی به لحاظ اینکه قانونگذار مفهوم و تعبیری جدید از رابطه سببیت ارائه داده است، صرف استناد مادی کافی در ثبوت ضمان نبوده و استناد نتیجه به تقصیر هم نیاز است. بدین ترتیب رابطه سببیت که مرکب از دو استناد (مادی و روانی) خواهد بود در جرایم علیه اشخاص در باب ضمان تسبیب که در زمره جرایم مقید می‌باشند معیار برای ثبوت مسئولیت کیفری است. در این میان ارزش وجودی اثرگذاری رفتارها در حدوث نتیجه مجرمانه نه تنها در تشکیل رابطه سببیت نمایان است بلکه بسته به شدت و ضعف اثرگذاری در میزان مسئولیت ابرازکننده آن رفتار هم مشهود است، طوری که به شرحی که در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی آمده است تفاوت تأثیر رفتار اقتضای تفاوت تقصیر و به تبع آن تفاوت در میزان مسئولیت کیفری را در پی خواهد داشت و از این منظر ارتباط مستقیمی بین شدت تأثیر رفتار با شدت تقصیر و مآلاً بالا بودن مسئولیت وجود دارد، هر چند به لحاظ عدم ارائه یک معیار مشخص برای تشخیص تفاوت تأثیر رفتار عوامل و رویکرد عملی و نظری به بررسی مصداقی تفاوت اثرات رفتار که حاصل آن تشتت آراء خواهد بود به عنوان یک چالش جدی مطرح می‌باشد.

۶- مراجع

۱. قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۶)، «الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد»، تهران، نشر میزان.
۲. آقائی نیا، حسین (۱۳۹۵)، «جرائم علیه اشخاص»، تهران، نشر میزان.
۳. صادقی، محمد هادی (۱۳۹۵)، «جبران خسارت در جنایت»، تهران، نشر میزان.
۴. قیاسی، جلال الدین (۱۳۹۴)، «تسبیب در قوانین کیفری»، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
۵. مرادی، حسن (۱۳۹۶)، «جرائم علیه اشخاص»، تهران، نشر میزان.
۶. محمودی، عبدالله (۱۳۹۷)، «تسبیب در قتل غیر عمد»، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۷. غمامی، مجید (۱۳۸۳)، «قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی»، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۸. محمدی، ایمان (۱۳۹۰)، «ضمان کیفری و مناط تحقق و انتفاء آن»، تهران، داد و دانش.
۹. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۴)، «مسئولیت مدنی»، تهران، نشر میزان.
۱۰. خسروی سلیم، محمد مهدی (۱۳۹۶)، «نقش رکن روانی در رابطه سببیت»، تهران، نشر میزان.
۱۱. میر سعیدی، سید منصور (۱۳۸۳)، «مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان»، تهران، نشر میزان.
۱۲. صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب اله (۱۳۹۷)، «مسئولیت مدنی تطبیقی»، تهران، مؤسسه مطالعاتی و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۱۳. نجیب حسنی، محمود (۱۳۸۵)، «رابطه سببیت در حقوق کیفری»، ترجمه سید علی عباس نیای زارع، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۴. اصحابی، مهدی (۱۳۹۸)، «مسئولیت کیفری ناشی از تعدد اسباب در قتل غیر عمدی در حقوق کیفری ایران»، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.